



نمودهای کسب حکمت و دانش در کلیله و دمنه مصور تیموری

با تأکید بر سرمایه‌های فرهنگی تجسم یافته

وحید امیری یاسی کند^۱، علی دهقان^{۲*} حمیدرضا فرضی^۳  

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران vahidamiriyasi@gmail.com
^{۲*} نویسنده مسئول (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. a_dehghan@iaut.ac.ir
^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران farzi@iaut.ac.ir

چکیده

سرمایه فرهنگی مجسم به صورت مهارت و خصایل دیرپای فکری و جسمی و جزو دانایی و توانایی افراد است. تمایلات و گرایش‌های فرهنگی، یکی از فاکتورهای اصلی در سنجش میزان سرمایه‌های فرهنگی تجسم یافته است. کتاب کلیله و دمنه که خود یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های فرهنگی عینیت یافته شمرده می‌شود، گنجینه غنی از سرمایه‌های فرهنگی مجسم است. چنان‌که جزو ماندگارترین آثار عینی میراث فرهنگی مکتوب در بین ملل هند و ایران و عرب و بلکه ادبیات جهان شمرده می‌شود. در پژوهش حاضر، براساس رویکرد نظری سرمایه فرهنگی پیر بوردیو، به بررسی عمده‌ترین گرایش فرهنگی مندرج در این کتاب پرداخته شده است. به لحاظ روش‌شناسی، گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای بوده، شیوه بررسی آن از نوع مطالعات کیفی و تحلیل محتوای یافته‌های بررسی نشان می‌دهد که شاخصه گرایش به کسب حکمت و دانش در کلیله و دمنه از برجستگی خاصی برخوردار است. تعامل رای هند و بیدپای برهمن در باب مسائل گوناگون فرهنگی که با هدف گسترش حکمت و تعمیم دانش موضوعات مطروحه به انجام می‌رسد، یکی از بهترین جلوه‌های متجسم سرمایه‌های فرهنگی است. جستجوی معرفت و شیفتگی انوشیروان پادشاه فرهیخته ساسانی به دانش، جستجوی حکمت به وسیله برزویه و ابن مقفع که گاهی موجد حرکات‌های مهم علمی و فرهنگی در عصر خویش بوده‌اند؛ علاقه مفراط امیر نصر بن احمد سامانی، بهرام شاه غزنوی و ابوجعفر منصور بن عباس (پایه‌گذار خلافت عباسی) و برخی دیگر از امرا و علما، به علم و فرهنگ، نمودهای سرمایه فرهنگی هستند که در کلیله و دمنه تجسم یافته‌اند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی ترجیحات فرهنگی اشخاص و رجال مطرح در کلیله و دمنه.
۲. تبیین نمودهای سرمایه فرهنگی تجسم یافته در کلیله و دمنه ذیل مؤلفه گرایش به کسب حکمت و دانش.

سوالات پژوهش:

۱. ترجیحات فرهنگی اشخاص و رجال مطرح در کلیله و دمنه، حول چه مؤلفه‌هایی شکل گرفته است؟
۲. نمودهای سرمایه فرهنگی تجسم یافته در کلیله و دمنه از منظر علاقه به کسب حکمت و دانش چگونه است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۱

دوره ۱۸

صفحه ۵۵ الی ۷۳

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۲۶

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۰۹/۲۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

کلیله و دمنه مصور تیموری، سرمایه‌های فرهنگی، سرمایه تجسم یافته، حکمت و دانش.

ارجاع به این مقاله

امیری یاسی کند، وحید، دهقان، علی، فرضی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). نمودهای کسب حکمت و دانش در کلیله و دمنه مصور تیموری با تأکید بر سرمایه‌های فرهنگی تجسم یافته. هنر اسلامی، ۱۸(۴۱)، ۷۳-۵۵.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.41.43](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.41.43)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.222663.1207

مقدمه

امروزه مطالعات فرهنگی صرفاً محدود به ارزش‌های ذهنی زیبایی‌شناختی آن نیست و فرهنگ جزو یکی از انواع مهم "سرمایه" محسوب می‌شود. با ورود مفهوم سرمایه به حوزه فرهنگ و هنر، مفاهیم جدیدی شکل گرفت که مفهوم سرمایه فرهنگی^۱ یکی از مهم‌ترین آنهاست و از همین‌رو، به عنوان عاملی قدرتمند در تعیین روابط اجتماعی مورد توجه بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است. یکی از شاکله‌های اصلی هویت فرهنگی و میراث معنوی دیرباز ایرانیان، زبان و ادبیات است. آثار ادبی منظوم و منثور پارسی با درون‌مایه‌های ممتاز، از جمله ارزشمندترین ذخایر و غنای فرهنگی در حوزه تمدن محسوب می‌شوند. ادبیات به عنوان حافظه عمومی، یکی از ابزارهای انتقال فرهنگ است که مشحون از تاریخ، آداب و رسوم، سنت‌ها و غیره می‌باشد. بی‌تردید ادبیات فصلی مهم و شاخص در گردآوری تاریخ هنر جهان بوده و ارتباط آن با هنر حائز اهمیت است. از این جهت می‌توان ادبیات را صورت "عینیت یافته فرهنگی" دانست. افزون بر این، متون ادب فارسی گنجینه انواع مختلف سرمایه‌های فرهنگی است که از دیرباز اندوخته شده‌اند. کلیله و دمنه مصور تیموری که از حیث فصاحت و بلاغت کلام و ایجاد فضای تصویری در ذهن مخاطب بسیار غنی می‌باشد؛ در این زمینه نمونه قابل توجهی است و از این رو، نگارندگان سرمایه‌های فرهنگی تجسم یافته در شخصیت رجال آن را با رویکرد بوردیو بازکاوی کردند.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلاً با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با جستجو در پیشینه تحقیقات انجام یافته درباره کلیله و دمنه، عمده مسائلی که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، اغلب حول محور رویکردهای داستان‌پردازی و حکایت‌شناسی و مواظ و زهد و عرفان و بیان اخلاقی و تعلیمی و بررسی‌های ادبی و سبک‌شناختی متمرکز بوده است. آثاری از قبیل تاریخ ادبیات ذبیح‌الله صفا؛ سبک‌شناسی ملک‌الشعرا بهار و سیروس شمیسا و رستگار فسایی که به بررسی سبک و تاریخچه این اثر و ترجمه‌های مختلف صورت گرفته از آن پرداخته‌اند. یا تحقیقات دکتر محمد جعفر محجوب که این کتاب را از دیدگاه داستان‌پردازی مورد تحلیل قرار داده است. در سال‌های اخیر نیز، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلی، بیشترین توجهات خود را صرف بعد داستان‌پردازی و درون‌مایه‌های تعلیمی و اخلاقی و اندیشه‌های سیاسی آن نموده‌اند. در بحث ادبیات کودک و ادبیات تطبیقی هم مطالعاتی انجام شده است. مقالاتی در مقایسه کلیله و دمنه با گلستان سعدی، حدیقه سنایی و مثنوی مولانا وجود دارد. در برخی مقالات، اندیشه‌های سیاسی مترجم کلیله و دمنه نقد شده است و برخی دیگر نیز به دیدگاه‌های اخلاقی نصرالله منشی پرداخته‌اند. مره‌بی و جدیدالاسلامی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «تصویرسازی و تصویر آرایی فریب‌کاری در شاهنامه فردوسی و کلیله دمنه نصرالله منشی (مغول و تیموری)»، سعی کرده‌اند به نوع فریب و حیل و هدف نیرنگ‌بازان پرداخته و به اقتضای هر خدع‌های نکات اخلاقی، معرفتی، سیاسی و اجتماعی را برای حظ و تنبّه درج نمایند. به‌طور کلی، در بررسی سوابق علمی مربوط به سرمایه‌های فرهنگی در کلیله و دمنه مشخص شد که هیچ مطالعه مشخصی تحت این عنوان انجام نگرفته است. بر این اساس، پژوهش حاضر اولین گام در این زمینه به شمار می‌آید. در این پژوهش تلاش شده است که مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی در کلیله و دمنه از حیث سرمایه فرهنگی تجسم یافته تبیین گردیده، جهت‌گیری‌های فرهنگی آن ترسیم شود. این مطالعه به روش توصیفی - تحلیلی از نوع

^۱Cultural capital

کتابخانه‌ای می‌باشد. در این مطالعه تلاش شده است که سنجه‌های جامع سرمایه فرهنگی بوردیو؛ مطابق با رمزگان سرمایه فرهنگی کتاب کلیله و دمنه باشد. به بیان دیگر، وجهه نوآورانه این تحقیق در آن است که سنجه‌های سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته در بُعد دانش دوستی و گرایش به علم و حکمت به لحاظ محتوایی متناسب با زمینه‌های ادبی- فرهنگی کتاب کلیله و دمنه بوده و با آن همخوانی داشته باشد. معرفت فرهنگی این کتاب و اقتضات آن در این رویکرد پژوهشی، مد نظر قرار گیرد. با توجه به کیفی بودن پژوهش حاضر، معیار اصلی در گزینش شاخص‌های ابعاد سرمایه فرهنگی، قرابت و همخوانی آن‌ها با علایم و شناسه‌های تئوریک فرهنگی متن کلیله و دمنه بوده است. در واقع رمزگشایی کدهای فرهنگی مندرج در کتاب کلیله و دمنه ذیل مؤلفه گرایش به کسب حکمت و دانش، به‌وسیله نمونه‌هایی برجسته مقتضی با زمینه‌های فرهنگی این کتاب صورت پذیرفته است.

۱. پایگاه فرهنگی و جامعه شناختی کلیله و دمنه

کلیله و دمنه از آثار ادبی است که منشأ آن به هند باز می‌گردد. این کتاب توسط ابوالعمالی نصرالله منشی در قرن ششم هجری، ترجمه گردید. بیشتر داستان‌های کلیله و دمنه تمثیلی و به زبان حیوانات است. کلیله و دمنه به دلیل ویژگی منحصر به فرد داستانی- تعلیمی، نه تنها در ایران، بلکه در تاریخ ادبیات جهان از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۱۹). این کتاب ابتدا توسط ابن مقفع از سانسکریت به عربی ترجمه شد. عبدالله ابن مقفع (۱۰۶-۱۴۲ ه.ق) در شهر جور یا گور ناحیه‌ای در فیروزآباد فارس (علبی، ۲۰۰۲: ۱۹-۲۰) متولد شد. اسم وی روزبه و کنیه‌اش ابوعمّر بود. او به زندقه متهم شد و سرانجام به قتل رسید (بیگی، ۱۳۸۷: ۸۴). ابن مقفع در سایه حمایت بنی‌اهتم بزرگ شد و رشد کرد. بنی‌اهتم اصل فصاحت و بلاغت بودند و این فصاحت و بلاغت بنی‌اهتم در ابن مقفع تأثیر شگرف بسزایی گذاشت (ابن مقفع، ۱۴۲۷: ۸-۹). بر این اساس، یکی از سرچشمه‌های انباشت سرمایه فرهنگی در ابن مقفع، تأثیر ادب و بلاغت بنی‌اهتم در او بوده است. ابن مقفع به تیزهوشی، وسعت دانش، کرم و جود و مروّت مشهور بود (همان: ۸-۹). وی از پیشوایان فن کتابت و اولین کسی است که در میان مسلمانان، به ترجمه کتاب‌های منطق اقدام نموده است. وی برای منصور خلیفه عباسی سه کتاب از آثار ارسطو را در زمینه منطق ترجمه کرد. همچنین ابن مقفع کتاب "المدخل الی علم المنطق" معروف به سیاغوجی را ترجمه نمود. علاوه بر کتاب کلیله و دمنه، می‌توان به کتاب‌هایی نظیر مزدک و کتاب التاج در سیره انوشیروان اشاره کرد که به ترجمه ابن مقفع درآمده است. کتاب خداینامک و نیز کتاب آیین‌نامه از تألیفات اوست و رسائلی همچون الادب الصغیر و الادب الکبیر، رساله الصحابه (الیتیمه) و اشعاری در کتب حماسه از او نقل شده است (همان: ۱۰).

ابن مقفع را یکی از بنیانگذاران نثر فنی و ادبی زبان عربی دانسته‌اند. ابن خلکان وی را «مشهور به بلاغت و دارنده آثار بدیع» می‌خواند و ابن‌الندیم (۱۴۱۷: ۱/ ۱۵۸) آنگاه که از ده سخنور شیوای جهان سخن می‌گوید، او را نخستین آنان می‌شمارد. جاحظ در ستایش ابن مقفع می‌گوید: «هیچ کس بلاغت را چون ابن مقفع تفسیر نکرده است» (جاحظ، ۱۹۶۸: ۱/ ۱۱۴). ابن مقفع به وسیله ترجمه توانست فرهنگ و هنر ایرانی را حفظ کند و در ترویج آن نقش بسزایی ایفا نماید. با توجه به اهمیت کار ترجمه‌های ابن‌المقفع، شایسته است که او را انتقال‌دهنده فرهنگ و تمدن ایران به جهان اسلام بنامیم. به‌طوری‌که بسیاری از مترجمان کار او را ادامه دادند و به این حرکت فرهنگی پیوستند. به عنوان نمونه، به

دلیل تأثیرپذیری خلفای عرب از ترجمه آثار پهلوی به زبان عربی که به وسیله ابن مقفع صورت گرفته بود، در دوران خلافت هارون و پسرش مأمون عباسی، بیت الحکمه به منظور نشست های علمی اهل ادب و فضل و حکمت برای ترجمه متون از زبان های گوناگون تأسیس یافت. «ترجمه برخی از کتاب های پهلوی به دست ابن مقفع علاوه بر آنکه الگوی سایر مترجمان از جمله ابوسهل فضل بن نوبخت گردید نظام دیوان سالاری عباسیان را انسجام بخشید» (صفا، ۱۳۵۶: ۵۸/۴).

در کتاب "مظاهرالشعوبی فی الادب العربی" در توجیه انگیزه ابن مقفع از ترجمه عربی کلیله و دمنه آمده است. او از این طریق به ادبیات تمثیلی پناه برد تا کژی های منصور عباسی را به راستی آورد و در واقع امیدوار بوده تا خلیفه از راه ناراست خود برگردد و مردم آن را بخوانند و بر بیداد خلیفه خشم آورند (بنیه حجاب، ۱۹۶۱: ۴۱۱). ترجمه کلیله و دمنه با هر هدفی بوده باشد، باید گفت که این ترجمه مهم ترین کار فرهنگی وی بوده که هم به لحاظ تعلیمات فرهنگی و اجتماعی و هم به لحاظ توجهات ادبی، واجد تاثیرات شگرفی بوده است. سیمای فرهنگی ابن مقفع در کتاب کلیله و دمنه درخشان است. وی بر آن بود که «زنده را از دانش و کردار نیک چاره نیست» (منشی، ۱۳۸۶: ۷۱). پردازش کلیله و دمنه توسط ابن مقفع خود یکی از سرمایه های فرهنگی تجسم یافته به شمار می آید که دالّ بر علاقه او به این کار فرهنگی است. در این باره صرف وقت و هزینه را نباید از خاطر دور داشت. چراکه انباشت سرمایه تجسم یافته، نیازمند صرف وقت و هزینه است.

ابوالمعانی نصرالله منشی محمد بن عبدالحمید بن عبدالصمد مترجم کلیله و دمنه به فارسی و صاحب کلیله و دمنه بهرام شاهی است. با بررسی پیشینه خانوادگی ابوالمعالی در زمینه علم و فرهنگ، پیش داشته های فرهنگی وی شایان توجه است. جد بزرگ او عبدالصمد در دربار سامانیان «مُلابِس دیوان رسائل بود» (جرفادقانی، ۱۳۸۲: ۲۷۳). محمد بن عبدالجبار عتبی در کتاب الیمینی، وی را در فصاحت و بلاغت از صاحب بن عبّاد (متوفی ۳۵۵) برتر شمرده است (رک. عتبی، ۱۳۷۸: ۴۵۰). احمد فرزند عبدالصمد، در محضر پدرش فن دبیری و کتابت فرا گرفت و در خدمت آلتونتاش خوارزمشاه «از سمت کتابت به رتبت وزارت رسید» (جرفادقانی، ۱۳۸۲: ۲۷۴). با عنایت به این پیشینه، پیش داشته های فرهنگی خانواده در انباشت سرمایه فرهنگی تجسم یافته ابوالمعالی، نقش به سزایی داشته است. ترجمه کتاب کلیله و دمنه به فارسی، مهم ترین اثر بازمانده از نصرالله منشی است که در زیبایی و استواری و فصاحت و آراستگی سخن، یکی از آثار نفیس ادب فارسی محسوب می شود. عوفی در لبابالباب آن را "دستمایه جمله کتاب و اهل صنعت" معرفی کرده و معترف است که «از منشآت پارسیان هیچ تألیف آن اقبال ندیده و آن قبول نیافته است» (عوفی، ۱۳۳۵: ۸۷).

ابوالمعالی را بنیانگذار نثر فنی در ادب فارسی نامیده اند و ترجمه کلیله و دمنه برای وی همچون عرصه ای برای نمایش استعداد و معلومات ادبی اش بوده است. «این شیوه و طریقه کلیله، چنان در ادب فارسی تأثیرگذار بوده است که نثر قرن ششم را به نثر فنی یا شیوه ابوالمعالی نامیده اند» (بهار، ۱۳۷۰: ۲۴۷).

یکی از خصوصیات بارز منشی، گرایش به کتاب و کتاب خوانی است. این موضوع از محتوای سخنانش قابل استنباط است: «و در قصص خوانده آمده است که ...» (منشی، ۱۳۸۶: ۲۵). استعداد، چیره دستی و کاردانی ابوالمعالی در ترجمه و باز نویسی کلیله و دمنه، علاقمندی او به فرهنگ و دانش و آگاهی، همت کم نظیر او در گسترش حکمت،

همگی سنجهای هستند در معرفت درونمایه‌های فکری و سرمایه‌های فرهنگی تنیده شده او باری، اثر او سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته‌ای است که با صرف وقت و زمان، منابع مالی به حصول رسیده است. کلیله و دمنه از جمله آثار کهن فارسی است که می‌توان درون‌مایه و محتوی آن را از منظر جامعه‌شناسی بررسی کرد. چراکه رابطه میان ادبیات و جامعه‌شناسی، از راه فرهنگ و زبان که هر دو ماهیتی اجتماعی دارند، شکل گرفته است. در واقع، ادبیات بازتابنده فرهنگ و زبان هر جامعه است (پیرنجم‌الدین و شهبازی، ۱۳۹۰: ۵۵۳). کلیله و دمنه تلفیقی است از درون‌مایه‌های تعلیمی و اخلاقی و اندیشه‌های سیاسی که در آن دانش و حکمت عملی و طرز زندگی و کشورداری گنجانده شده است (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). نصرالله منشی آن را «کان خرد و حصافت و گنج تجربت و ممارست» می‌نامد (منشی، ۱۳۸۶: ۴۰).

غناى مفاهیم و دانش‌های موجود در آن تا بدان درجه است که مأمون فرزندان خود را به آموختن عهد اردشیر و کلیله دستور داد (تفضلی، ۱۳۸۳: ۲۱۸). ابن‌الدینم در ذکر کتاب‌هایی که همگی بر خوبی آن متفقند از کتاب کلیله نام می‌برد (ابن‌الدینم، ۱۴۱۷: ۱۵۸). فردوسی روایت می‌کند که به خسرو پرویز خبر دادند که بهرام چوبینه سرکرده سرکش و یاغی در هنگام تنهایی، کلیله و دمنه می‌خواند. خسرو فرمود: «اکنون کار درازی با او در پیش خواهیم داشت» (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۲۰). از این سخن استنباط می‌شود که به احتمال زیاد، اگر کسی کلیله می‌خواند و با رموز حکمت و اندیشه آن آشنا می‌شد، از جنبش‌های خطرناک متوجه حکومت بود. ملک‌الشعرای بهار در این باره می‌نویسد: «هیچ کتابی را سراغ نداریم که مانند این کتاب مستطاب در طول قرون و در نزد ملل مختلف تا این اندازه دوام آورده و مونس ملوک و انیس و سرمشق اخلاق و راهنمای زندگی قرار گرفته باشد» (بهار، ۱۳۷۰: ۲۵۳). نصرالله منشی، مطالعه کلیله را پس از کتاب‌های دینی، پرفایده‌ترین کتاب‌ها می‌خواند: «رغبت در مطالعت آن زیادت گشت که پس از کتب شرعی در مدت عمر عالم، از آن پرفایده‌تر کتابی نکرده‌اند» (منشی، ۱۳۸۶: ۴۰). این کتاب تعلیمی و داستانی سرشار از محورهای و رویکردها و راهبردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و بسیار قابل تأمل و تدبیر است که به عنوان یکی از سرمایه‌های فرهنگی عینیت‌یافته و مهم ادب فارسی و بلکه سرزمین هند و تمدن جهان به‌شمار آورد.

۲. مفهوم‌شناسی سرمایه فرهنگی

مفهوم سرمایه فرهنگی از مفاهیم جدید در حوزه جامعه‌شناسی است که در قرون جدید مطرح شده است. از چند دهه قبل، تغییری که در مفهوم‌شناسی سرمایه به وجود آمد، این بود که بحث سرمایه عمدتاً در حوزه اقتصادی و انباشت ثروت بررسی می‌شد؛ چراکه سرمایه منابع عمومی‌یافته‌ای است که می‌تواند به شکل پولی یا غیرپولی و نیز ملموس و غیرملموس وجود داشته باشد (آن‌هایر و همکاران، ۱۹۹۵: ۸۶۲). در دیدگاه اخیر، دارایی‌های گوناگونی از جمله دارایی فرهنگی افراد به مراتب نقش مهمتری نسبت به دارایی‌های اقتصادی در پیشرفت اعضای خانواده دارند که سرمایه‌های فرهنگی از جمله آن است. «مفهوم سرمایه فرهنگی ناظر به مجموعه‌ای از توانمندی‌ها، عادت‌ها و طبع‌های فرهنگی از جمله دانش، زبان، سلیقه یا ذوق و کسب زندگی» است (صالحی امیری و سپهرنیا، ۱۳۹۴: ۶۰). مفهوم سرمایه فرهنگی برای نخستین بار از سوی پیر بوردیو اوایل دهه ۱۹۶۰ به کار رفته است. وی از جمله متفکران برجسته جامعه‌شناسی در فرانسه است که رویکردی نخبه‌گرایانه به فرهنگ دارد. بوردیو جهان اجتماعی را پیچیده‌تر

از آن می دانست که بتوان به گونه ای تقلیل گرایانه درباره آن بحث نمود. به اعتقاد بوردیو، برای درک سلسله مراتب اجتماعی افراد، تنها توجه به وضعیت اقتصادی آن ها و گروه ها کافی نیست و باید علاوه بر آن، به وضعیت اجتماعی و فرهنگی آن ها نیز توجه نمود. بوردیو در مقاله ای با عنوان "اشکال سرمایه" از سه نوع سرمایه اقتصادی، اجتماعی (شبکه ای از روابط فردی و گروهی که هر فرد در اختیار دارد) و فرهنگی نام می برد و برای آن ها از سایر سرمایه ها ارزش بیشتری قائل می شود. سرمایه فرهنگی مدنظر بوردیو «بخشی از یک چارچوب تحلیلی و بازتولید قدرت و امتیاز طبقاتی است که در فرآیند تأثیر فرهنگ در نابرابری های اجتماعی مطرح شده است» (صالحی امیری؛ سپهرنیا، ۱۳۹۴: ۶۰).

از نظر بوردیو، سرمایه فرهنگی یکی از مهم ترین شاخص های احترام و قدرت و ثروت طبقات ممتاز در جوامع امروزی بوده و سرمایه فرهنگی یکی از مهم ترین ابزارها برای فهم تفاوت های اجتماعی است. به طور کلی، سرمایه فرهنگی شامل «مهارت های خاص، سلیقه، نحوه سخن گفتن، مدارک تحصیلی و قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی است که هر فرد از طریق آن، خود را از دیگران متمایز می کند» (بابایی فرد و حیدریان، ۱۳۹۴: ۱۲۳). بوردیو در کتاب "اشکال سرمایه فرهنگی" (۱۹۹۷: ۴۶-۵۸) سه نوع سرمایه فرهنگی را شناسایی می کند: اولین مورد آن سرمایه فرهنگی تجسم یافته یا مجسم^۲ است که به صورت مهارت و تربیت خصایل دیرپای فکری و جسمی بوده و بیانگر چیزهایی است که افراد می دانند و می توانند انجام دهند. این نوع از سرمایه را که به جزء جدا ناشدنی وجود شخص و محدوده اعمال عادت واره او تبدیل شده، نمی توان فوراً با هدیه یا خرید مبادله کرد. همچنین این حالت از سرمایه فرهنگی را نمی توان فراتر از ظرفیت های متناسب با یک فرد انباشت کرد، چراکه به میزان ظرفیت های بیولوژیکی، ذهنی و حافظه شخص قابل ذخیره سازی است. از این رو انباشت آن، به تلاش ها و سرمایه گذاری شخصی فرد وابسته است و به وسیله خود او به دست می آید. این نوع از سرمایه به همراه حامل خود، رو به افول می نهد و می میرد. در واقع «منظور از سرمایه فرهنگی مجسم آن دسته از معلومات کسب شده ای است که به شکل رغبت های پایدار ارگانیک، حالت درونی شده به خود می گیرد» (شویره و فونتین^۳، ۱۳۸۵: ۹۷). به عنوان نمونه، کسی که برای تحصیل و بهبود موقعیت خود فعالیت می کند، در نهایت سرمایه فرهنگی تجسم یافته را به دست می آورد. نوع دوم سرمایه از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی عینیت یافته^۴ است که به صورت کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی از قبیل کتاب ها، آثار هنری، میراث فرهنگی و غیره تجلی پیدا می کند. به تمامی اشیاء و کالاهای فرهنگی، سرمایه فرهنگی عینی می گویند، اما خصلت اصلی این سرمایه در آن است که بر دارندگان آن اثر آموزشی می گذارد (محسنی، ۱۳۶۷: ۱۸۱). در واقع، سرمایه فرهنگی عینیت یافته سرمایه ای است که به صورت اعیان به تملک درآمده است.

نوع سوم، سرمایه فرهنگی نهادینه شده است که از طریق صلاحیت های تحصیلی و فرهنگی همچون مدارک و مدارج تحصیلی، تصدیق و گواهی حرفه و کار نمود پیدا می کند «این حالت نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه فرهنگی فرد است» (شارع پور؛ خوشفر، ۱۳۸۱: ۱۳۷) که به کمک ضوابط اجتماعی و به دست آوردن عناوین، برای افراد کسب موقعیت می کند. در واقع، لازمه سرمایه فرهنگی نهادی، وجود افراد باصلاحیت و مستعد برای کسب انواع

۲- Embeddable

۳ - Schuere and Fontaine

۴-Objectified

مدارک تحصیلی و دانشگاهی است. از طرف دیگر، مستلزم وجود نهادی رسمی است که صادرکننده این مدرک تحصیلی و رسمیت بخش آن می‌باشد. این سرمایه، قابل واگذاری و انتقال نمی‌باشد و به دست آوردن آن برای افراد به شرط معینی بستگی دارد» (روح الامینی، ۱۳۶۵: ۱۱۸). با این تفاسیر بوردیو با تقسیم‌بندی سرمایه فرهنگی به سرمایه تجسم‌یافته، عینیت یافته و سرمایه نهادینه شده، صورت‌بندی دقیقی را برای بررسی ماهیت و انواع سرمایه فرهنگی در جوامع مختلف ارائه می‌دهد.

۳. نمودهای کسب حکمت و دانش در کلیله و دمنه مصور تیموری با تأکید بر سرمایه‌های فرهنگی

تجسم‌یافته

دانش دوستی و گرایش به کسب حکمت و علوم یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی تجسم یافته است که در بسیاری از پژوهش‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است. بوردیو (۱۹۸۶)، به نقل از اندرسن و جاگر، (۲۰۱۳: ۱۸۴) در بین مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی متجسم، فعالیت‌های مطالعاتی و علاقه به کتاب و کتاب‌خوانی را به عنوان یکی از فاکتورهای اصلی مد نظر داشته است. در پژوهشی که کاووسی و خراسانی (۱۳۸۹: ۸۹-۹۱) به انجام رسانیده‌اند، مؤلفه دانش دوستی و علاقه به کالاهای فرهنگی از جمله کتاب، یکی از شاخصه‌های سنجشی سرمایه فرهنگی متجسم مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین توانایی ادبی گفتاری یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که در این تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفته است. غفاری (۱۳۸۷: ۱۶-۱۷) مطالعه و علاقه به کسب دانش را یکی از شاخصه‌های اصلی در سنجش سرمایه‌های تجسم‌یافته عنوان نموده است. منادی (۱۳۸۶: ۲۵-۲۰) مطالعات ادبی، تاریخی و اجتماعی را از جمله فعالیت‌هایی محسوب نموده که در سنجش میزان سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته قابل ملاحظه است. توسلی (۱۳۸۳: ۱۸-۱۴) سرمایه فرهنگی را شامل دانش و فرهنگ کسب شده به وسیله علم قلمداد نموده و فاضلی به نقل از حسن‌پور و قاسمی، ارتقاء سطح آگاهی و علاقه به دانش‌اندوزی به واسطه گرایش به اشیاء فرهنگی را به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی تجسم یافته مورد مذاقه قرار داده است. شارع‌پور و خوش‌فر سرمایه فرهنگی را شامل گرایش‌ها و تمایلات روانی نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی بیان نموده‌اند (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۴). کروبی سرمایه فرهنگی را عادات و منس و مشرب و خلق و خوی فرهنگی دانسته است (کروبی، ۱۳۸۷: ۳۱۴-۳۱۶). فلورا سرمایه فرهنگی را مجموعه‌ای از توانمندی‌ها، عادات و طبع-های فرهنگی شامل دانش زبان و شیوه‌های آگاهی محسوب نموده است (فلورا، ۲۰۰۵: ۵۶-۵۷). همسو با این پژوهش، آشافنبرگ و موس مهارت ادبی و دانش زبانی را در کسب سرمایه فرهنگی متجسد از مؤلفه‌های مهم معرفی کرده است (آشافنبرگ و موس، ۱۹۹۷: ۲۳-۳۴). اسمیت در پژوهشی ترجیحات فرهنگی نظیر گرایش به کتاب و علاقمندی به کسب علم و دانش را از شاخصه‌های سرمایه فرهنگی تجسم یافته دانسته و مورد مطالعه قرار داده است (حسن‌پور و قاسمی، ۱۳۹۵: ۷۰). بررسی مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی در کتاب کلیله و دمنه نشان از وجود ویژگی‌هایی می‌دهد که نقش محوری در ایجاد و انتقال سرمایه فرهنگی دارند که عبارتند از:

۱.۳. اهمیت گفت و شنود در کلیله و دمنه

از آنجا که افسانه‌های کلیله و دمنه را برهمنی به نام "بیدپای" به اشاره "رای هند" برای او روایت کرده است و در واقع شاکله اصلی کتاب بر روی همین گفت و شنود استوار یافته، یکی از پایه‌ای‌ترین سرمایه‌های فرهنگی است که منشأ سایر سرمایه‌های فرهنگی در این کتاب به شمار می‌آید. رغبت کم نظیر «رای هند» در فراگیری معلومات مختلف و اشتیاقش به کسب تمهیدات مسائل گوناگون در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و غیره نشان‌دهنده انگارشی است که وی نسبت به موضوعات فرهنگی و اندیشه‌های متعالی دارد. رای در باب تدبیر امور و تدارک مسائل مختلف با "برهمن" مشورت کرده، از وی کمک فکری می‌گیرد. این تعامل که با هدف گسترش حکمت و تعمیم دانش مسائل گوناگون به انجام می‌رسد، یکی از جلوه‌های تجسم‌یافته سرمایه‌های فرهنگی در کتاب کلیله محسوب می‌شود.

«رای» در مقام پادشاه می‌کوشد برهمن را که در باور هندوان هم یکی از خدایان است (شایگان، ۱۳۷۵: ۲۷۵) و هم از طبقه ممتاز روحانیون (هینلز، ۱۳۸۵: ۱۲۵) به مشاوره بگیرد و از این راه، به دانش مسأله طرح شده پی ببرد. اصل موضوع پرسش‌گری رای، منعکس‌کننده نیاز فرهنگی جامعه است که بر اساس "گفتگو" (دیالوگ) و نه بر پایه "تک‌گویانه" (مونولوگ) پایه‌ریزی شده است. این امر به این دلیل حائز اهمیت است که در گفتگو سهم طرفین در انتقال دانایی متعادل‌تر است. در حالی که در مونولوگ جنبه امری سخن بیشتر مدنظر بوده و گوینده هیچ‌کس را شریک دانایی خود نمی‌داند و یا برای خود سهم بیشتری از دانایی در نظر می‌گیرد (احمدی، ۱۳۷۲: ۹۲). با وجود این، می‌توان استنباط کرد که پرسش رای از برهمن نه برای اثبات دانایی خود، بلکه با هدف رسیدن به دانایی است «برهمن همچون واسطه‌ای برای تحمیل آگاهی رای به دیگران عمل می‌کند» یعقوبی جنبه سرایی و احمدپناه، ۱۳۹۰: ۸۰).

شایان توجه است که هنر "گوش دادن" و نه صرفاً شنیدن از جانب رای، که به‌منظور کسب معلومات و افزایش سطح آگاهی صورت می‌پذیرد، یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که در برقراری ارتباط مؤثر لازم می‌باشد، داشتن این توانمندی‌ها ارتقای بیشتر سرمایه فرهنگی را برای افراد به ارمغان خواهد آورد (ذبیحی و پردل، ۲۰۱۱: نقل از صالحی امیری و سپهرنیا، ۱۳۹۴: ۱۹۷). گوش دادن عملی ارادی است که به دقت و توجه نیاز دارد، اما شنیدن عملی غیرارادی است که به توجه نیاز ندارد (عباس زاده و درویش زاده، ۱۳۹۲: ۱۹). «رای» با استفاده از این قابلیت درونی شده در خود، نشان می‌دهد که پادشاهی کاردان و فرهیخته است. این عادت مطلوب و رفتار سنجیده رای که توأم با بردباری خردمندانه و پرهیز از پیش‌داوری است، انگیزه کافی را برای برانگیختن برهمن در ادامه دادن به گفتگوی دوجانبه و ایجاد نوعی گفتمان فرهنگی به وجود می‌آورد. نزدیک به کل روایات کتاب کلیله و دمنه بر این اصول بیان گردیده و «رای» هیچ‌گاه قضاوت شخصی خود را قبل از فهم نتیجه داستان بر برهمن تحمیل نمی‌کند. به عنوان نمونه، در باب شیر و شغال، پس از اتمام حکایت و حصول پیام آن توسط برهمن، رای ماحصل گوش دادن خود به این داستان را این‌گونه بیان می‌کند: «رای گفت: شنودم مثل ملوک در آنچه میان ایشان و خدم تازه گردد از خلاف و خیانت و جفا و عقوبت و مراجعت به تجدید اعتماد، که بر ملوک لازم است برای نظام ممالک و رعایت مصالح بر مقتضای این سخن رفتن که الرجوعُ اِلَى الْحَقِّ اَوَّلَى مِنَ التَّمَادِي فِي الْبَاطِلِ» (منشی، ۱۳۸۶: ۴۵۵). ملاحظه می‌شود که درخواست‌های رای از جنبه پرسشگری مطرح شده و برای یافتن پاسخ‌هایی درخور، برای مسائل است. از سویی دیگر، دانش و معلوماتی که بیدپای برهمن به هنگام سؤال رای در قلب حکایت عرضه می‌دارد، منعکس‌کننده

خردمندی و تجربه اوست و این قابل حصول نیست مگر به موجب مطالعه و کسب علم و تجربه. بیدپای با مطالعه مأنوس بوده و این موضوع از فحوای سخن وی قابل دریافت است. در باب بازجست‌دمنه پس از روایت کار شنزبه، رای از او می‌خواهد عاقبت کار دمنه را بازگوید. برهن می‌گوید: «و در تواریخ و اخبار چنان خوانده‌ام که چون شیر از کار گاو بپرداخت... الخ» (همان، ۱۹۶). در سخنان بیدپای سعادت و کمال متجلی است که در پرتوی از آگاهی به ظهور می‌رسد. درحقیقت آموزه‌های بیدپای را می‌توان مصداق این ضرب‌المثل دانست که «دانایی، توانایی است.» افزون براین، صرف وقت و زمان از سوی طرفین گفتگو برای دستیابی به حکمت مسایل، از دیگر نکات ظریفی است که جزو سرمایه‌های محسوب می‌شود که در حالت متجسد، انباشت سرمایه فرهنگی در کالبد و ذهن صورت می‌پذیرد «عمل اخذ و اکتساب تلاشی است که پیشاپیش در گرو صرف هزینه مستقیم توسط خود شخص است. سرمایه‌گذاری که از همه مهم‌تر است به‌صورت صرف وقت است» (راد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۷). بدین ترتیب، میزان صرف کردن وقت و زمان، یکی از سرمایه‌های فرهنگی به شمار می‌آید که نشان‌دهنده اهمیت یادگیری است.

بیدپای علاوه بر این که مشارکت فرهنگی فعال دارد، از دانش فرهنگی بالایی برخوردار است که متناسب با ذائقه فرهنگی مخاطبش، معلومات خود را عرضه می‌دارد. اگر به تعریف سرمایه فرهنگی از منظر بوردیو نگاهی بیفکنیم، تعامل فرهنگی «بیدپای» و «رای هند»، مصداق بارز شیوه‌های عمل متناسب از دیدگاه بوردیو است. بوردیو سرمایه فرهنگی را شناخت ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، دانش ذائقه خوب و شیوه‌های عمل متناسب تعریف می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۴۷). از نظر بوردیو یکی از شاخصه‌های سنجشی سرمایه‌های فرهنگی در هر فرد، تمایلات و عادت‌واره‌هایی است که افراد را در پیشرفت و اندوختن مهارت و تخصص بیشتر یاری می‌رسانند. حاصل آن که منزلت و مقام فرهنگی رای و برهن در کلیله و دمنه به واسطه سرمایه فرهنگی آنهاست. این خصیصه به ویژه در کاراکتر بیدپای برهن پررنگ‌تر است. نصرالله منشی او را در کمال خرد و حصافت معرفی می‌کند (منشی، ۱۳۸۶: ۴۷). در تصویر شماره ۱ که روایت‌گر داستانی از کلیله و دمنه است، گفتگوی حیوانات جنگل با یکدیگر را به تصویر کشیده شده که خود جلوه‌ای از وجود بنیان‌های عمیق فکری و فلسفی در نگارش کلیله و دمنه است.



تصویر ۱: تصویر قصص الحیوان از کتاب کلیله و دمنه. منبع: (مره یی و جدیدالاسلامی: ۱۳۹۸)

۲.۳. ترویج دانش دوستی در کلیله و دمنه

منابع موثق تاریخی حاکی از این است که خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م) پادشاه ساسانی، شیفته علم و دانش و فرهنگ بوده و با اندیشمندان و فیلسوفان بسیاری هم‌نشینی داشته است. آگاتیاس (شاعر و تاریخ‌نگار یونانی) با همه کینه‌ای که از انوشیروان داشته، وی را به خاطر دانش دوستی و علاقه به فرهنگ و هنر ستوده است (رک. به نقل از وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۲۱۷). بسیاری از منابع تاریخی عربی، از فرهیختگی انوشیروان یاد کرده‌اند (رک. حموی، ۱۹۹۵: ۷۴-۷۵؛ ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۹۰). ابن بلخی نوشته است: «چون پادشاهی بر خسرو انوشیروان عادل قرار گرفت، هر کجا کتابی در مورد حکمت‌ها و سیاست می‌یافت، می‌خواند» (۱۳۸۵: ۸۸). دینوری او را پادشاهی توصیف می‌کند که همانندش در طلب علم و دانش نبوده است. بر اساس متن کتاب "اخبار الطوال" حکیمان و اندیشمندان بسیاری در جوار انوشیروان جمع می‌شدند و او منزلتشان را ارج می‌نهاد (۱۳۷۱: ۱۰۰). برخی منابع اشاره دارند که خسرو انوشیروان علاوه بر مطالعات علمی و فلسفی، در مباحثات و مناظرات علمی نیز حضور می‌یافت و به بحث راجع به مسایل گوناگون بویژه فلسفه می‌پرداخت (رک.؛ کریستین سن، ۱۳۶۷: ۴۸۴-۵۷۴). علاقه انوشیروان به فلسفه چنان بود که یونانیان او را شاگرد افلاطون می‌نامیدند (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۲۱۷). آوازه او در فلسفه به گونه‌ای بود که حتی فیلسوفان و دانشمندان بزرگی چون سهروردی و غزالی نیز وی را "حکیم" معرفی کرده‌اند (دهباشی، ۱۳۶۹: ۳۳۵). علاوه بر این، میرخواند هم با ذکر اشعاری، انوشیروان را حکیم معرفی می‌کند (۱۳۸۵: ۹۳۳). همچنین فردوسی تأثیر همنشینی انوشیروان با حکما و منجمان و طبیبان را در سرفرازی و دانایی و توانایی وی بیان نموده و به رغبت و تمایل او در کسب حکمت اشاره می‌کند (۱۳۸۵: ۱۲۶۲/۶).

ابن مقفع در مقدمه خود و در خلال ذکر خصایل نیکوی کسری انوشیروان، با اشاره به صفات برجسته او یعنی عدالت، دانش و آگاهی، وی را فردی معرفی می‌کند که در کسب علم و انواع آن اهتمام جدی داشته و هم‌لنا از

عنایات خاصه او بوده که کلیله به ایران انتقال پیدا کرده، ترجمه شده و نشر یافته است: «و سبب و علت ترجمه این کتاب و نقل آن از هندوستان به پارس آن بود که باری، عزّ اسمه، آن پادشاه عادل بختیار و شهریار عالم کامگار - خَفَفَ اللَّهُ عَنْهُ، انوشیروان کسری بن قباد را از شعاع عقل و نور عدل حظی وافر ارزانی داشت... تا نهمت به تحصیل علم و تتبع اصول و فروع آن مصروف گردانید و در انواع آن به منزلتی رسید که هیچ پادشاه پس از وی آن مقام را نتوانست یافت و آن درجت شریف و رتبت عالی را سزاوار و مرشح نتوانست گشت» (منشی، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۵). ابن مقفع می نویسد که پس از اطلاع انوشیروان از وجود کتاب کلیله و دمنه در هندوستان و محتوی حکمی آن در انواع دانش‌های بشری چنان که سرمایه هر علم و راهبر هر منفعت و مفتاح هر حکمت است «همت بر آن مقصور گردانید که آن را ببیند (همان، ۵۵). در محتوای دستوری که انوشیروان به برزویه طبیب جهت انتقال کلیله از هندوستان به ایران می دهد، از وی می خواهد که دیگر کتب هندوان بدان مضموم گردد (همان، ۵۶). بر این اساس و بنا به دستور صریح انوشیروان، برزویه در طول این سفر کتاب‌های بسیاری را استنساخ کرده و با خود می آورد «به وقت بازگشتن کتاب‌ها آوردم که یکی از این کتاب‌ها، کلیله و دمنه است» (همان، ۹۶).

همچنین، ذکاوت و دانش پادشاه و "تأمل و تدبیر و مشاورت" او در جریان گزینش برزویه طبیب به انجام "مهمی بزرگ" درخور توجه بوده، حاکی از هوشیاری انوشیروان و تبحر او در موضوعات مختلف است. در منابع عربی، انوشیروان به زیرکی و دانایی توصیف شده است: «ذکروا أنه لم یکن فی ملوک العجم أدهی من کسری أنشوروان» در میان شاهان غیر عرب، پادشاهی زیرکتر از انوشروان نبوده است (بیهقی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). در معجم البلدان، انوشیروان به عنوان محتاط‌ترین، عاقل‌ترین و ادیب‌ترین پادشاه ایران معرفی شده است (الحموی، ۱۹۹۵م: ۵ / ۷۴). همچنین ثعالبی او را از بهترین، خردمندترین و داناترین شاهان ایران معرفی نموده است (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۱ / ۹۰). «دانش دوستی انوشیروان و علاقه او به معرفت مسائل گوناگون به درجای بوده است که او را مصمم کرده ثروت و مکنت پادشاهی‌اش را در راه به دست آوردن کلیله و دمنه، هزینه کند: «تمامی خزاین ما در آن مبدول خواهد بود» (منشی، ۱۳۸۶: ۵۶). بر اساس روایت ابن مقفع، پادشاه در کار انتقال کتاب از هندوستان به ایران "مالی خطیر" به همراه برزویه گسیل می‌دارد: «و در صحبت او پنجاه صُره که هر یک ده هزار دینار بود حمل فرمود و به مشایعت او با جملگی لشگر و بزرگان مُلک برفت» (همان، ۵۶). انوشیروان اطمینان می‌دهد که اگر حتی به مال زیادی احتیاج باشد، به هندوستان خواهد فرستاد: «و اگر مدّت مقام دراز شود و به زیادتی حاجت افتد بازنمایی تا دیگر فرستاده آید» (همان، ۵۶). مناعت طبع و علو همت انوشیروان در کسب علم و دانش و ترویج آن زمانی اهمیّت مضاعف می‌یابد که عزّت نفس و بزرگ منشی این پادشاه خردمند عصر ساسانی را با توصیف "هندو" از "ملک هند" مقایسه کنیم. هندو پس از اینکه قصد برزویه را از سفر به هندوستان می‌فهمد؛ او را از "خطر عظیمی" آگاهی داده و هشدار می‌دهد که هیچ‌کس نباید از این کار اطلاع حاصل نماید، چراکه «تلافی آن به مال و متاع در امکان نیاید که ملک ما درشت خوی و خرد انگارش است» (همان، ۶۲).

بدون تردید در کشوری که پادشاه و وزیر، خسرو انوشیروان و بزرگمهر، خردمند و دانش‌دوست باشند، علم و فرهنگ اوج می‌گیرد و دانشمندان سعادت‌مند خواهند شد. «دانش‌دوستی و خردپروری خسرو انوشیروان سبب شد که دانشمندان و هنرمندان کشورهای دیگر به دربار او روی آورند و دستاوردهای علمی و تجربه‌های خود و تمدنی که

نماینده آن بودند را از راه تألیف کتابها و پرورش شاگردان به سرزمین ایران انتقال دهند. همچنین، به پشتیبانی خسرو انوشیروان، کتابهای زیادی در زمینه های پزشکی، فلسفه و نجوم از روم و هند و دیگر کشورها به پهلوی ترجمه و در دانشگاه های جندی شاپور بایگانی شدند» (جلیلیان؛ گیلانی، ۱۳۹۶: ۲۳). خلاصه آن که تحت تأثیر علاقه مندی انوشیروان به علم و فرهنگ و هنر، دارالحکمه های متعددی به وجود آمده و رشد می کند که در تعالی علم و فرهنگ ایران عصر باستان بسیار سودمند بوده اند. اگر بخواهیم منشأ این تأثیرات عظیم فرهنگی را بیابیم بی گمان در خواهیم یافت که این امر منبعث از سرمایه های اندیشگانی انوشیروان بوده که به شکل علاقه زایدالوصف او به علم و فرهنگ و هنر در قالب یکی از سرمایه های فرهنگی متجسم، نمود یافته است. چرا که ذهن و اندیشه، منبع اصلی انباشت سرمایه های فرهنگی تجسم یافته می باشد. تصویر شماره ۲ که برگرفته از کلیله و دمنه مصور است، روایت گر مناظره حیوانات جنگل است.



تصویر شماره ۲: قصص الحیوان کتاب کلیله و دمنه. منبع: (مره یی و جدیدالاسلامی: ۱۳۹۸)

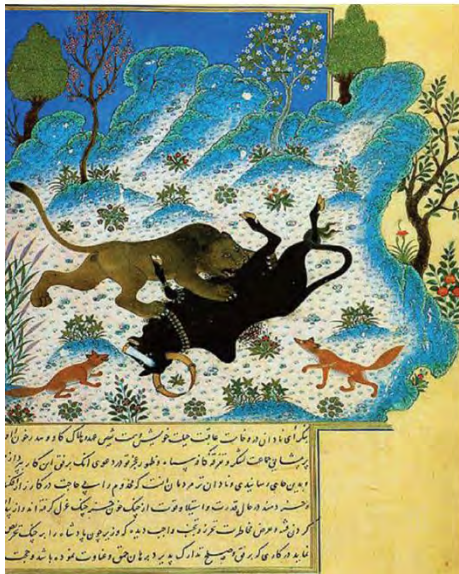
۳.۳. برزویه وزیر و الگوسازی رفتاری

یکی از اندیشمندان برجسته و مشهور عصر ساسانیان، برزویه طبیب است که نامش با کلیله و دمنه پیوند خورده است. «در روزگار خود قصب السبق ربوده و ممتاز گشته و بی نظیر بود» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۰۴). فردوسی، و ثعالبی او را پزشکی سخنور و دانش دوست و اهل مطالعه معرفی کرده اند (ثعالبی، ۱۳۲۸: ۳۰۴-۳۰۶، فردوسی، ۱۹۷۰: ۸/ ۲۵۳-۲۵۷). بخاری در داستان های بیدپای درباره مقام و جایگاه علمی برزویه می نویسد: «[انوشیروان] هر چند در بزرگان دولت و ارکان مملکت خویش نظر کرد، هیچ کس را شایسته تر از برزویه پزشک ندید» (۱۳۶۹: ۴۱-۴۲). با وجود این، جهت آشنایی با افکار و اندیشه های برزویه طبیب، راهی جز تتبع در باب برزویه نیست. «اساساً این قسمت از کتاب، مهم ترین بخش اطلاعات ما را درباره این شخصیت دربردارد» (چوپانیان، ۱۳۹۳: ۴۳). برزویه طبیب درباره انگیزه های خود و مراحل زندگی علمی و معنوی اش می نویسد: «به ضرورت، عزیمت مصمم گشت بر آنچه علمای هر صنف را

بینم و از اصول و فروع معتقد ایشان استکشافی کنم و بکوشم تا به یقین صادق، پای‌جای دلپذیر به دست آرم. این اجتهاد هم به جای آورد...» (منشی، ۱۳۸۶: ۸۲-۸۳). اجتهادی که برزویه برای کسب آن قیام می‌کند، محرکی است که سرمایه‌های فرهنگی بالقوه او را مبدل به سرمایه فرهنگی بالفعل می‌کند. ابن‌مقفع نقل می‌کند که کسری انوشیروان در گزینش "مردی هنرمند" برای انتقال کتاب کليلة و دمنه به ایران ملاک‌هایی را مد نظر قرار می‌دهد که یکی تسلط به زبان هندی و دیگری اجتهاد در علم است (رک. منشی، ۱۳۸۶: ۵۵). این شخص برزویه است. «آخر برزویه نام جوانی نشان یافتند که این معانی در وی جمع بود و به صناعت طب شهرتی داشت» (منشی، ۱۳۸۶: ۵۵).

براساس متن کتاب کليلة، انوشیروان به پاس زحمات برزویه در قبال انتقال این کتاب از هند به ایران، مبالغ‌هنگفتی به‌علاوه مشارکت او در حکومت به وی پیشنهاد می‌کند که برزویه آن را نمی‌پذیرد. در مقابل خواسته برزویه این است که یک باب بنام او در کليلة تألیف شود. این همان سرمایه فرهنگی تنیده شده در فرد است که طی یک فرآیند طولانی تربیت و پرورش فکری، در ذهن و جسم آدمی و در اعماق ناخودآگاهش تثبیت می‌شود و اینگونه است که برزویه حاضر نیست و در حقیقت قادر به این نیست که سرمایه درونی خود را با پول معاوضه و مبادله کند. بورديو سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته را محصول انباشت دانش و معرفت در خانواده می‌داند. برزویه اذعان دارد که در اثر توجهات پدر و مادرم از دیگر برادران و خواهرانم ممتاز شدم و چون به هفت سالگی رسیدم مرا به خواندن علم طلب تشویق کردند و این‌گونه شد که در علم طبابت سرآمد و شهره گشتم (منشی، ۱۳۸۶: ۷۷). برزویه از دارایی فرهنگی والدینش در هدایت به سوی علم و دانش و معرفت برخوردار بوده است. «توجه به پیش‌داشته‌های خانواده در انتقال بین نسلی در حوزه دانش فرهنگی قبل و میراث فرهنگی موجود در خانواده، از جایگاه با ارزش و مهمی برای تولید سرمایه فرهنگی در خانواده برخوردار است» (صالحی امیری، سپهرنیا، ۱۳۹۴: ۱۴۳). بورديو معتقد است که جهت‌گیری‌های فرهنگی و یا عاداتی که در مراحل اولیه زندگی آموخته می‌شود به سختی تغییر کرده و در شکل‌گیری پاسخ‌ها و تجربیات بعدی زندگی، بسیار فعال می‌نماید. از این‌رو، می‌توان گفت که یکی دیگر از سرمایه‌های فرهنگی تجسم‌یافته در این بخش، ترجیحات فرهنگی والدین برزویه می‌باشد که در هدایت او به سمت فراگیری علم و دانش به‌ویژه علوم پزشکی، محرک اصلی بوده و در نهایت موجب انباشت سرمایه‌های فرهنگی ذهنی و تنیده شده در او بوده است. خلاصه اینکه، علاقه وافر برزویه به علم و دانش، نشانه یکی از ابعاد تجسم‌یافته سرمایه‌های فرهنگی در اوست که به تشخیص فرهنگی او کمک‌شایان توجهی نموده است.

نصراالله منشی در خلال بحث راجع به اثرگذاری کتاب کليلة و دمنه در حاکمان و پادشاهان و علاقه‌مندی آنان به این کتاب، از ابوجعفر منصور بن محمد، پایه‌گذار خلافت عباسیان نام می‌برد و به این موضوع اشاره می‌کند که در عهد خلافت وی، ابن‌مقفع کلیه را به زبان عربی ترجمه کرد و «آن پادشاه را به آن اقبالی تمام افتاد و دیگر اکابر امت بدان اقتدا کردند» (منشی، ۱۳۸۶: ۴۳). منشی وی را می‌ستاید و از او به نکویی یاد می‌کند. تصویر شماره ۳، که نگاره‌ای کليلة و دمنه دوره تیموری است، جدال خیر و شر را در قالب مبارزه دو گاو به تصویر کشیده است. این نبرد به‌صورت الگویی از مبارزه ترسیم شده است.



تصویر ۳: جدال گاو از کلیله و دمنه بایسنقری، (منبع: کاشفی و هادوی: ۱۳۹۴).

منابع تاریخی از توجه عباسیان، به ویژه منصور عباسی به حرکت‌های علمی حکایت دارند. «نهضت ترجمه و حرکت علمی به طور کامل در عهد منصور عباسی و به خواست او آغاز شد. بنابراین، وی نخستین خلیفه‌ای بود که به مترجمان ارج نهاد و آن‌ها را به ترجمه متون مختلف تشویق کرد. این اقدام سبب گردید تا بیشتر آثار علمی، فرهنگی و ادبی تمدن‌های بزرگ، بخصوص تمدن ایرانی در عصر ساسانیان، به عربی ترجمه شود» (باقرزاده؛ بیگی، ۱۳۹۲: ۱۹). ذبیح‌الله صفا می‌نویسد: «این دوران به عصر طلایی ترجمه شهرت یافت به طوری که در کنار ترجمه متون پهلوی، کتاب‌های زیادی از یونانی، هندی، سریانی به عربی نقل شد که همین امر اعتلای علمی و فرهنگی جهان اسلام را به ارمغان آورد» (۱۳۵۶: ۴/ ۴۸). با این تفاسیر می‌توان گفت: ترجمه کلیله و دمنه در دوره‌ای از تاریخ ایران که نهضت ترجمه رواج داشت، نقش مهمی در انتقال مفاهیم مربوط به سیاست، حکمت و علم آموزی داشت و در نوع خود نقش مهمی در انباشت سرمایه فرهنگی ایفا کرد.

نتیجه‌گیری

رابطه میان ادبیات و جامعه‌شناسی از رهگذر فرهنگ و زبان شکل گرفته است. ماهیت زبان و فرهنگ، اجتماعی است. در واقع، ادبیات آینه و بازتاب‌دهنده فرهنگ و زبان هر جامعه است. کلیله و دمنه به عنوان یکی از سرمایه‌های فرهنگی عینی در حوزه ادبیات تعلیمی از وجهه شاخصی برخوردار است. کلیله و دمنه تلفیقی را از بن‌مایه‌های تعلیمی و اخلاقی با اندیشه‌های سیاسی دانسته‌اند که در آن حکمت عملی و طرز زندگی و کشورداری طرح شده است. از سویی دیگر، به دلیل غنای فرهنگی این کتاب و ارتباط آن با مسائل مربوط به فرهنگ و اندیشه، تبیین و تحلیل عناصر فرهنگی کلیله و دمنه از منظر سرمایه‌های فرهنگی، وجهه دیگری از این کتاب چندوجهی را روشن می‌نماید. در این راستا، رویکرد نظری پیربورديو در حوزه سرمایه‌های فرهنگی اساس کار قرار گرفته و در نهایت نتایج تحقیق نشان داد که: در بُعد سرمایه‌های تجسم‌یافته، گرایش به کسب حکمت و دانش یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها

است. از ممتازترین نمونه‌ها در این خصوص، تبادل نظر رای و برهمن درباره مسائل فرهنگی کشور است که موجد سایر سرمایه‌های فرهنگی مندرج در کتاب است. رغبت و تمایل کم‌نظیر رای هند در فراگیری معلومات مختلف و اشتیاقش به کسب تمهیدات مسائل گوناگون در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و غیره نشان‌دهنده انگارشی است که وی نسبت به موضوعات فرهنگی و اندیشه‌های برجسته و متعالی دارد. رای در باب تدبیر امور و تدارک مسائل گوناگون که آن‌ها را با "برهمن" در میان می‌گذارد؛ از وی کمک فکری می‌گیرد. این تعامل که با هدف گسترش حکمت و تعمیم دانش مسائل گوناگون، به انجام می‌رسد، یکی از جلوه‌های تجسم‌یافته سرمایه‌های فرهنگی در کتاب کلیله محسوب می‌شود. نمونه دیگر، دانش دوستی کسری انوشیروان، پادشاه ساسانی است. در بسیاری از منابع تاریخی، انوشیروان به عنوان چهره فرهنگی معرفی شده است و کلیله و دمنه به پاس زحمات او و علاقه‌اش به علم و دانش و فرهنگ به ایران منتقل شده و نشر می‌یابد. براساس متن کلیله، در ذهنیت انوشیروان، توجه به علم و دانش و فرهنگ از انباشت‌های مهم فرهنگی است. از این‌رو، نمودی از سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته به شمار می‌رود. از نمونه‌های دیگر می‌توان به اهمیت علم و دانش در نزد برزویه طبیب، ابن مقفع و نصرالله منشی اشاره نمود. علاوه بر این، امر نیز در کسب معرفت و فراگیری مسائل گوناگون فرهنگی حضور چشم‌گیری دارند. افرادی نظیر نصر بن احمد سامانی، بهرام شاه غزنوی یا ابومنصور دوانیقی هر یک، بانی حرکت‌های فرهنگی در عهد خود بوده‌اند و این بی‌گمان محصول انباشت سرمایه‌های فرهنگی تجسم‌یافته و برگرفته از نگرش‌های فرهنگی و اندیشه‌های والای انسانی آن‌ها بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

کتابها:

- ابن بلخی. (۱۳۸۵). فارسنامه، به سعی و اهتمام و تصحیح گای لیسترنج زینوالدالن نیلکسون، تهران: اساطیر.
- ابن سعید، محمدبن منصور [فخر مدبر]. (۱۳۴۶). آداب الحرب و الشجاعه، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران: اقبال.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق الوراق. (۱۴۱۷). الفهرست، تحقیق: ابراهیم رمضان، بیروت: دارالمعرفه.
- ابن مقفع، عبدالله. (۱۴۲۷). الادب الصغیر و الادب الکبیر، تحقیق و دَراسه د.إنعام قَواک. بیروت: دارالکتب العربی.
- احمدی، بابک. (۱۳۷۲). ساختار و تأویل متن، تهران: مرکز.
- اسمیت، فیلیپ. (۱۳۸۴). درآمدی بر نظریه فرهنگی، ترجمه: حسن پویان، تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.
- البیهقی، ابراهیم بن محمد. (۱۳۹۰ق). المحاسن و المساوی، بیروت: دارالصادر.
- الحموی، شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله. (۱۹۹۵م). معجم البلدان، بیروت: دارالصادر.
- اصطخری، ابوالحسن ابراهیم. (۱۳۷۳). الممالک و المسالک، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات افشار.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۲۱). سبک شناسی، تهران: وزارت فرهنگ.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۰). سبک شناسی، تهران: توس.
- بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۸۸). تاریخ بیهقی، به کوشش محمد جعفر یاحقی و مهدی سیدی، تهران: سخن.
- تفضلی، احمد. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: چاپ مهارت.
- ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل. (۱۳۲۸). شاهنامه ثعالبی یا غرر اخبار ملوک الفرسو سیرهم، ترجمه محمود هدایت، تهران: چاپخانه مجلس.
- ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل. (۱۳۶۸). تاریخ ثعالبی (مشهور به غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم)، ترجمه محمد فضایی، تهران: نقره.
- جاحظ، عمرو بن بحر. (۱۹۶۸م). البیان و التبیین، به کوشش فوزی عطوی، ج ۱، بیروت: دار و مکتب الهلال.
- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر. (۱۳۸۲). ترجمه تاریخ یمینی، به کوشش جعفر شعار، تهران: علمی و فرهنگی.
- دینوری، ابوحنیفه. (۱۳۷۱). اخبار الطوال، ترجمه محمود دامغانی، تهران: نشرنی.
- روح الامینی، محمود. (۱۳۶۵). زمینه فرهنگ شناسی، تهران: انتشارات عطار.
- شایگان، داریوش. (۱۳۷۵). ادیان و مکتب های فلسفی هند، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- شویره و فونتن. (۱۳۸۵). واژگان بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.
- صالحی امیری، سیدرضا؛ سپهرنیا، روزیتا. (۱۳۹۴). الگوی ارتقای سرمایه فرهنگی در ایران، تهران: قفنوس.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۵۶). تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، ج ۴، تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۱). تاریخ ادبیات ایران، ج ۹، تهران: انتشارات فرودسی.

- عتبی، محمد بن عبدالجبار. (۱۳۷۸). الیمینی، به کوشش یوسف الهادی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- علبی، احمد. (۲۰۰۲). ابن مقفع الكتاب و الترجم و المصلح، بیروت: دارالفارابی، الطبعة الاولى.
- عوفی، سدیدالدین محمد. (۱۳۳۵). لباب الالباب، به تصحیح محمد قزوینی و ادوارد براون، به کوشش سعید نفسی، تهران: انتشارات کتابفروشی ابنسینا.
- غزنوی، سید حسن. (۱۳۶۲). دیوان، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، تهران: اساطیر.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مصرف موسیقی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر ارتباطات.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم: انتشارات صبح صادق.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). شاهنامه فردوسی (بر اساس نسخه ژول مول)، به کوشش عبدالله اکبریان، تهران: الهام.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۹۷۰ م). شاهنامه، جلد هشتم متن انتقادی تحت نظر برتلس، مسکو: انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی.
- کریستین سن، آرتور امانوئل. (۱۳۶۷). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: امیرکبیر.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۶۷). مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: نشر دوران.
- مسعود سعد سلمان. (۱۳۶۴). دیوان، به کوشش مهدی نوریان، اصفهان: کمال اصفهان.
- منشی، نصرالله. (۱۳۸۶). کلیله و دمنه، بر اساس نسخه مجتبی مینوی، شرح دکتر خیرالله محمودی، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- منشی، نصرالله. (۱۳۹۱). کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- منشی، نصرالله. (بی تا). کلیله و دمنه، به کوشش حسن حسن زاده عاملی، تهران: کتابفروشی سعدی.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود. (۱۳۸۵). تاریخ روضه‌الصفاء فی سیره الانبیاء و الملوک و الخفا، تصحیح و تحشیه: جمشید کیان فر، تهران: انتشارات اساطیر.
- نیه حجاب، محمد. (۱۹۶۱). مظاهر الشعوبیه فی الادب العربی حتی نهایه القرآن الثالث هجری الطبقة الاولى، القاهرة: مکتبه نهضه مصر.

مقالات:

- بابایی فرد، اسدالله؛ حیدریان، امین. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۴۲-۱۱۷.
- باقرزاده، جمشید؛ بیگی، محمدرضا. (۱۳۹۲). «بررسی اهداف ابن مقفع از ترجمه متون پهلوی به زبان عربی»، پژوهشنامه تاریخ، شماره ۳۰، صص ۲۵-۷.
- بیگی، حسین علی. (۱۳۸۷). «ابن مقفع». مجله کتاب‌نامه تاریخ و جغرافیا، صص ۸۴-۸۵.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۳). «تحلیلی از اندیشه پیر بوردیو درباره فضای منازعه آمیز اجتماعی و نقش جامعه‌شناسی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۲۵-۱.

- جلیلیان، شهرام؛ گیلانی، نجم‌الدین. (۱۳۹۶). «خسرو انوشیروان و شکوفایی فرهنگ و تمدن ایران در دوره - ساسانیان»، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۳۱، صص ۲۱-۳۴.
- چوپانیان، جواد. (۱۳۹۳). «شناخت بهتر برزویه طبیب بر اساس کلیله و دمنه». پژوهش‌های علوم تاریخی، شماره ۱. صص ۵۲-۳۳.
- حسن‌پور، آرش؛ قاسمی، وحید. (۱۳۹۵). «ساخت، طراحی و برازش مدل و ارائه سنج‌های برای سنجش سرمایه فرهنگی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱ و ۲، صص ۵۵-۹۵.
- دهباشی، حمید. (۱۳۶۹). «فرهنگ سیاسی شاهنامه (اندیشه سیاسی فیلسوف/ پادشاه در سلطنت خسرو انوشروان)». مجله ایران‌شناسی، شماره ۹، صص ۳۴۱-۳۳۱.
- راد، فیروز و همکاران. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با هوش فرهنگی مدیران دبیرستانهای تبریز»، مجله مطالعات جامعه‌شناسی، شماره سیزدهم، صص ۱۳۳-۱۱۱.
- شارع‌پور، محمود؛ خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۸۱). «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت جوانان (مطالعه موردی: شهر تهران)»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۴۷.
- عباس‌زاده، حمیده؛ درویش‌زاده، محسن. (۱۳۹۲). «گوش دادن موثر مدیران عامل اثرگذار در تعهد مدیران»، مجله مدیریت مدرسه، شماره ۲، صص ۱۸-۲۱.
- غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۷). «سازة سرمایه فرهنگی و منابع مولد آن»، مجله رشد علوم اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۴۱، صص ۱۶-۱۲.
- کاشفی، جلال‌الدین؛ هادوی‌نیا، عاصمه. (۱۳۹۴). «نگاهی به وجه اساطیری- آیینی شیر و گاو در دو نسخه کلیله و دمنه دوره ایلخانی و تیموری». جلوه هنر، شماره ۱۴، صص ۲۵-۱۷.
- کاووسی، اسماعیل، خراسانی، زینب‌السادات. (۱۳۸۹). «اندازه‌گیری و مقایسه سرمایه فرهنگی در میان دانشجویان رشته مدیریت دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات»، مجله مدیریت فرهنگی، سال چهارم، شماره هشتم، صص ۸۵-۱۰۵.
- کارکنان نصرآبادی، محمد؛ جعفرپور، مرتضی و پروری آرنی، زینب. (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی در شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل»، نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات. شماره ۲۷، صص ۱۴۳-۱۷۱.
- کروبی، مهدی. (۱۳۸۷). «فرهنگ قومی، سرمایه فرهنگی و صنعت گردشگری»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۸، صص ۳۲۴-۳۰۹.
- مدرس‌زاده، عبدالرضا؛ خراسانی، محبوبه و نعنا فروش، فاطمه. (۱۳۹۴). «رویکرد نصرالله منشی به ادب تعلیمی در دوره سلجوقی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۲۶، صص ۸۲-۶۱.
- مره‌بی، منصور؛ جدیدالاسلامی، حبیب. (۱۳۹۸). «تصویرسازی و تصویر آرایی فریب‌کاری در شاهنامه فردوسی و کلیله دمنه نصرالله منشی (مغول و تیموری)»، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۵، صص ۳۶۷-۳۴۷.
- منادی، مرتضی. (۱۳۸۶). «سرمایه فرهنگی و فضای فرهنگی خانواده‌ها»، فصلنامه خانواده و پژوهش، سال اول، شماره ۱، صص ۳۵-۱.

- موسوی، سید فرج‌الله. (۱۳۹۱). «جایگاه تاریخی کلیله و دمنه در فرهنگ و تمدن شرقی». فصلنامه مسکویه، شماره ۲۳، صص ۱۳۵-۱۱۹.
- هینلز، جان راسل. (۱۳۸۵). «فرهنگ ادیان جهان»، ترجمه گروه مترجمان، ویراستار ع. پاشایی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- وینتر، انگلبرت؛ بثاته، دیگناس. (۱۳۸۶). «روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش همزیستی»، ترجمه کیاکوس جهانداری، تهران: نشر فروزان.
- یعقوبی جنبه سرایی، پارسا؛ احمدپناه، فاتح. (۱۳۹۰). «ساخت روایی کلیله و دمنه بر اساس گفتمان کاوی تعامل رای و برهن». فصلنامه ادب پژوهی، شماره هجدهم، صص ۱۰۰-۷۱.

(ب) منابع لاتین

- Anheier .H & Gerhards. J & Romo. F. (۱۹۹۵). Forms of capital and Social Structure in Cultural Fields, American Journal of Sociology. American Journal of sociology, VO: ۱۰۰, pp: ۴. pp. ۸۵۹-۹۰۳.
- Zabihi, R., & pordel, M. (۲۰۱۱). "designe, application, and factor structure of a cultural capital questionnaire: predicting foreign language attributions and achievement", English language and literature studies, ۱(۱), p, ۶۷, retrieved from life :\\c:\ users\home\ desktop\ payanname\ ۳\۳-۷\, htm.
- Flora, C.B. and J.L. F. (۲۰۰۵). "The Past and Future: Social Contract, Social Policy and Social Capital. In Increasing Understanding of Public Problems and Policies", edited by S.A. Halbrook and C.E. Merry, pp. ۵۳-۶۴.
- Aschaffenburg, Karen, Mass, I. (۱۹۹۷). "Cultural and Educational Careers, Thedynamics of social reproduction", American sociological review, VO: ۶۲, No: ۴.
- Andersen, I., & Jæger, M. (۲۰۱۳). "Cultural Capital in Context: Heterogeneous Returns to Cultural Capital across Schooling", The Danish National Centre For Social Research, Copenhagen; Department Of Sociology, University Of Copenhagen, Denmark.